

## انتخاب صدراعظم با استخاره!

نقل می‌کنند میرزا علی اصغر خان اتابک موسوم به «امین السلطان» که هم در دوران ناصرالدین شاه، هم در دوران مظفرالدین شاه و هم در دوره محمدعلیشاه منصب صدراعظمی یا نخست وزیر کشور را داشت دست کم دو بار این سمت را با استخاره‌های شاه به دست آورد.

میرزا علی‌اصغر در 1274 ه.ق در تهران متولد شد. پدرش آقا ابراهیم امین‌السلطان در ابتدا آبدارچی و رئیس قاطرخانه و شترخانه ناصرالدین شاه بود ولی به مرور مشاغل وی افزایش یافت و مورد توجه شاه قرار گرفت. به طوری که شاه او را در سفر اول به فرنگ با خود همراه برد. وقتی آقا ابراهیم در سال 1300 ه.ق به هنگام سفر شاه به مشهد در سن 50 سالگی فوت کرد، ناصرالدین شاه تمام مسئولیت و مشاغل وی و بیوتات سلطنتی، انبار غله مرکزی، ضرابخانه، وزارت گمرک و خزانه وزارت دربار و لقب امین‌السلطانی را به پسرش میرزا علی‌اصغر خان که در آن هنگام جوانی 26 ساله بود، منتقل کرد.

وقتی میرزا یوسف مستوفی‌الممالک صدراعظم وقت در 1303 فوت کرد، میرزا علی‌اصغر خان قدرت اصلی در کشور و گرداننده چرخ مملکت بود و رجال دولت برای رسیدن به جاه و مقام به او متوسل می‌شدند. پس از مرگ مستوفی‌الممالک اداره کشور به مدت دو سال بر عهده میرزا علی‌اصغر خان بود تا اینکه در 1305 ناصرالدین شاه رسماً امور کشور را زیر نظر وی درآورد و وی را «وزیر اعظم» نمود.

گفته می‌شود یکی از علل تأخیر شاه در معرفی صدراعظم، مردد بودن وی در انتخاب یکی از سه نفر زیر بود:

- قوام‌الدوله (میرزا عباس خان تفرشی)

- عضدالملک (علیرضا خان قاجار)

- امین‌السلطان (میرزا علی‌اصغر خان)

شاه قلباً مایل به انتخاب امین‌السلطان بود و حمایت روسیه و انگلستان از وی را یک امتیاز برای بقای دولت وی می‌دانست ولی نهایتاً برای انتخاب صدراعظم، بین این سه نفر به استخاره متوسل شد.

جواب استخاره راجع به دو نفر اول خوب بود ولی راجع به امین‌السلطان بد آمد. مع‌الوصف شاه بی‌اعتنا به نتیجه استخاره، حکم وزارت اعظم را رسماً به نام امین‌السلطان صادر کرد.

امین‌السلطان در اوج حمایت روس و انگلیس از وی، مقدمات سفر جدید ناصرالدین شاه به فرنگ را صادر کرد. در همین سفر بود که موج واگذاری امتیازات اقتصادی و تجاری و نفتی به بیگانگان آغاز شد. اتابک در این سفر که در 1306 ه.ق انجام شد، عضو هیات شاه بود. در جریان این سفر امتیاز انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران به شرکت انگلیسی تالبوت واگذار شد که منجر به اعتراضات شدید مردمی و صدور فتوای تحریم تنباکو از جانب مرحوم میرزای شیرازی شد. شاه در 1313 در اوج نفرت مردمی، به دست میرزا رضای کرمانی ترور شد و فرزندش مظفرالدین شاه به سلطنت رسید. شاه جدید نیز امین‌السلطان را از بقای صدراعظمی‌اش مطمئن ساخت و از تیریز عازم تهران شد اما این بار مخالفت انگلیسی‌ها با امین‌السلطان کار وی را دشوار ساخت. لندن به درخواست امین‌السلطان برای دریافت وام جهت سفر مظفرالدین شاه به فرنگ پاسخ منفی داد و در نتیجه شاه ناچار شد وی را کنار گذارد و میرزا علی خان امین‌الدوله را که نزد انگلیسی‌ها محبوب بود، جانشین وی سازد.

امین‌السلطان پس از برکناری به حالت تبعید و تحت‌الحفظ رهسپار قم شد. اما شاه یکسال و نیم پس از برکناری امین‌السلطان، امین‌الدوله را بی‌کفایت و نالایق تشخیص داد و در تعیین صدراعظم جدید مستاصل گردید. او میان حاج محسن خان مشیرالدوله سفیر سابق ایران در عثمانی که مدتی ریاست شورای وزیران را بر عهده داشت، میرزا عبدالوهاب نظام‌الملک والی فارس و وزیر عدلیه بعدی و همچنین میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان صدراعظم برکنار شده و تبعیدی در شک و تردید بود که کدام یک لایق‌ترند.

در این میان طرفداران امین‌السلطان که بسیاری از درباریان نیز از آن جمله بودند به تلاش افتادند تا شاه را به گزینش نامبرده و بازگرداندن وی از قم متقاعد سازند. شاه پذیرفت که میان نظام‌الملک، مشیرالدوله و امین‌السلطان یکی گزینش شوند. او تأکید کرد که طبق رفتارش پدرش (ناصرالدین شاه) باید به استخاره متوسل شود و هیچ کس را برای انجام این مسئولیت دینی لایق‌تر از «سیدعلی اکبر بحرینی» نمی‌دانست.

اطرافیان شاه به سرعت با بحرینی تماس گرفته و موضوع درخواست شاه را به اطلاع وی رساندند. آنان سپس در یک تئانی با بحرینی از یکسو و همچنین با تشریفاتچی‌هایی که همواره پشت سر شاه می‌ایستادند از جانب دیگر، تلاش کردند تا نقشه خود را در جریان استخاره به پیش ببرند.

ترتیب استخاره چنین داده شد که «حکیم‌الملک» پشت صندلی شاه بایستد، تا اسمی را که شاه داخل قرآن می‌گذارد، ببیند. سید بحرینی هم حین انجام تشریفات استخاره، به بالا بنگرد و از اشاره مثبت و یا منفی حکیم‌الملک تکلیف را بداند.

روز موعود فرا رسید و مجلس استخاره در نارنجستان بلور که بنایی مستقل و زیبا و در جنوب غربی دیوانخانه واقع بود، منعقد گردید.

...شاه بالای صندلی قرار گرفت و گفت تا آقای بحرینی را به حضور بخوانند. او مردی کوتاه قد و سمین (چاق) بود و چشمانی ریز و درخشان و چهره‌ای سبزه متمایل به زرد داشت. او بسم‌الله گوینان و ذکرکنان با ترتیبی خاص به حضور آمد. شاه به او گفت: آقا، بیایید روبروی من بنشینید که امر مهمی در پیش است و از خداوند راه می‌خواهیم. سید بحرینی برابر شاه روی قالیچه به زمین نشست. شاه نام یکی از افراد مورد نظر را که بر ورق‌های جداگانه نوشته و به پشت روی میز گذاشته شده بود برداشته، میان اوراق قرآن قرار داد و به دست آقا سپرد.

سید بحرینی با آداب تمام قرآن را بوسیده، به خواندن دعای لازم پرداخت و در پایان ذکر، سر را به آسمان بلند کرد، سویی حکیم‌الملک نگریست و او سر را با علامت منفی بالا برد. آقا قرآن را گشود و پس از مطالعه سربرآورده، عرض

کرد: آیه نهی است و راه نمی‌دهد. شاه ورقه دوم را لای کلام‌الله نهاد و باز اشاره حکیم‌الملک کار خود را کرده، آیه نهی آمد. بار سوم که نام امین‌السلطان میان اوراق مقدس رفت، سر حکیم‌الملک به علامت اثبات به زیر آمد و سیدبحرینی گفت: قربان، آیه‌ام است و بهتر از این نمی‌شود. شاه بدون اینکه سخن گوید اوراق را درهم ریخت و بار دیگر نام امین‌السلطان را از میان آنها برداشته، لای قرآن نهاد. این مرتبه نیز اشاره حکیم‌الملک فهماند که باید آیه امیر بیاید و چنین شد. شاه نفسی برآورده خیالش راحت شد و گفت: معلوم می‌شود که خداوند این‌طور خواسته که باز او بیاید. فی‌المجلس امر کرد تا صدراعظم معزول را از گوشه عزلت قم بار دیگر به صدارت بخوانند. امین‌السلطان در دور جدید صدارت خود همه مخالفین و رقبای خود را قلع و قمع کرد و شاه را با وام 22 میلیون مناتی که از روسیه قرض گرفت راهی فرنگ کرد. او برای بدست آوردن دل انگلیسی‌ها نیز امتیاز نفت ایران را به «ویلیام دارسی» واگذار کرد و برای جلب رضایت روسها نیز امتیاز گمرکات شمال را به آنان سپرد. او پس از پایان این سفر به دلیل امتیازاتی که به بیگانگان واگذار کرد، مورد خشم مردم واقع شد و علمای مذهبی حکم بر ارتداد او دادند. شاه نیز بار دیگر مجبور به برکنار کردن وی شد. امین‌السلطان که شاه او را اتابک اعظم خوانده بود پس از برکناری از صدارت عازم چین، ژاپن، آمریکا، مصر، عربستان، سوریه، لبنان، تونس، مراکش و فرانسه شد و عاقبت در سوئیس اقامت گزید. او پس از 4 سال مسافرت از سوی محمدعلی‌شاه قاجار که متعاقب مرگ پدرش به سلطنت رسیده بود، به تهران فراخوانده شد. او علیرغم مخالفت افکار عمومی علیه وی در اوج بحران مشروطیت به ایران آمد و در 1325 ه.ق (13 اردیبهشت 1286) برای سومین بار به طور رسمی به عنوان نخست‌وزیر برگزیده شد. در دوره حکومت وی قرارداد تجزیه ایران موسوم به پیمان 1907 میان روسیه و انگلستان به امضا رسید. ترور میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان یا اتابک اعظم در روز انعقاد قرارداد به وقوع پیوست. وی در مقابل مجلس شورای ملی ترور شد و به هلاکت رسید. در بین صدراعظم‌های سلسله قاجار، اتابک تنها کسی است که دوبار به صدراعظمی و یک بار به نخست‌وزیری انتخاب شد و در خدمت سه تن از پادشاهان قاجار (ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه) مشغول انجام وظیفه بود. او نیز جزو صدراعظم‌هایی است که به قتل رسید. با این تفاوت که حاج ابراهیم خان شیرازی معروف به حاج ابراهیم کلانتر اولین صدراعظم قاجار و قائم‌مقام فراهانی و میرزاتقی‌خان امیرکبیر به دستور پادشاهان ولی امین‌السلطان اتابک به دست مردم به قتل رسید.

منابع:

- نخست‌وزیران سلسله قاجاریه، پرویز افشاری، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه.  
- هزار و یک حکایت تاریخی، محمود حکیمی، انتشارات قلم، ج 2.

<http://www.dowran.ir/show.php?id=66042705>